تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۲/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۱۹

دوفصلنامه علمی- ترویجی پژوهش هنر
سال سوم، شماره ششم، پائیز و زمستان ۱۳۹۲

بررسی علل نبود کوشک در باغ گلشن طبس

خاطره مروج‌تربتی* آرزو حسینی**

چکیده

باغ ایرانی در گستره فرهنگ و هنر ایران، نمودار هویت مردم و شیوه تعامل آنان با طبیعت و نشانه‌ای از هم‌آوایی نیازهای انسان با طبیعت است. بنابر دیدگاه ایرانیان، باغ نماد بهشت موعود است. شاید بتوان دلیل این سخن را کمبود آب، آفتاب سوزان و به‌دنبال آنها دشواری پرورش گیاهان و درختان در فلات خشک ایران دانست. باوجود چنین مشکلات اقلیمی از دیرباز، باغ‌هایی سرسبز که بیشتر آنها از ساختار معماری برخوردار است، برای تأمین رفاه و آسایش زندگی مردم در این پهنه ساخته‌شده که بسیاری از آنها در دل کویر قراردارند. باغ‌های طبس نیز از این گونه‌اند. براساس منابع مکتوب، اتفاقات تاریخی و موقعیت قرارگیری باغ گلشن در بافت شهر طبس، این باغ مهم‌ترین باغِ شهر است که انتهای شرقی خیابان گلشن بنا شده‌است. با درنظر گرفتن بستر قرارگیری باغ حکومتی گلشن، توجه‌به ارزش تاریخی و زیستی آن در واحه طبس، احساس‌می‌شود.

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی با بهره‌گیری از منابع مکتوب است. روند پیشبرد این مقاله نیز بدین‌گونه است که نخست شهر طبس معرفی‌می‌گردد و سپس ویژگی‌های فضایی و کالبدی باغ گلشن توصیف خواهدشد. پس از آن، با نگاهی تحلیلی به این ویژگی‌ها، نگارندگان می‌کوشند تا پاسخی مناسب را برای علت نبود معماری کوشک در این باغ ارائه‌دهند.

درنهایت پس از بررسی‌های انجام شده چنین به‌دست آمد که هماهنگی با کهن‌الگو، هماهنگی با شرایط اقلیمی، سکونت مناسب و امنیت درون ارگ حکومتی و سازگاری آن با نحوه زندگی مردم منطقه برای توجیه نبود معماری کوشک در باغ گلشن، قابل بیان است.

کلیدواژگان: باغ ایرانی، طبس، باغ گلشن، کوشک، زندیه.

* کارشناس‌ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان. khatereh_moravej@yahoo.com
** دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

شهرهایی که در دو کویر نمک‌زار؛ دشت لوت و دشت کویر قرارگرفته‌اند، بیشتر باغ‌هایِ بهشتیِ کوچکی داشتند. طبس نیز ازجمله این شهرهاست. براساس توصیفی که از باغ‌ها و زندگی جاری در طبس در سفرنامه‌های کویری ایران شده‌است، باغ گلشن مهم‌ترین باغ این شهر است. این باغ که در دسته باغ‌های حکومتی قرارمی‌گیرد تنها دارای عمارت سردر است و هیچ‌گونه بنای دیگری در فضای آن مشاهده‌نمی‌شود. باید توجه‌داشت که نظام استقرار بناها همراه نظام کاشت و آب، سبب ساماندهی فضای باغ می‌شود که در باغ‌های ایرانی بنا معمولاً به‌صورت کوشک به‌گونه‌های مختلف از میانه تا انتهای باغ قرار می‌گرفته‌است. از این‌رو، چنین پرسشی مطرح‌می‌شود که چرا باغ گلشن طبس عمارت کوشک در فضای باغ ندارد. به‌دنبال آن، چه ویژگی‌هایی را می‌توان مسبب نبود کوشک در این باغ دانست.

برای یافتن پاسخ سؤال‌های بالا، لازم است تا ویژگی‌های ممتاز و بررسی چرایی نبود کوشک در باغ گلشن طبس معرفی و تحلیل‌می‌شوند. از همین‌رو نخست شهر طبس و علل خرمی آن ارزیابی و سپس به بیان نظام‌های کالبدی و کارکردی باغ گلشن پرداخته و درنهایت، علل نبود کوشک در این باغ تحلیل خواهدشد.

پیشینه تحقیق

جهانگردانی چون *سون هدین*[1] سوئدی (۱۳۵۵) و ایرانگردانی چون *اعتصام‌الملک* (۱۳۵۱) در سفرنامه خود باعنوان سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک"، از طبس دیدن‌کرده، باغ گلشن را توصیف و از ویژگی‌های طبیعی آن تمجیدکرده‌است. همچنین *یعقوب دانشدوست* در کتاب‌های "طبس شهری که بود (باغ‌های طبس)" (۱۳۶۹) و "طبس شهری که بود (بناهای تاریخی طبس)" (۱۳۷۶) توصیف کاملی از شهر طبس و این باغ انجام داده‌است. *فرهنگ‌خواه* (۱۳۵۵) نیز، در تصویر پرونده ثبتی این باغ[2]، اطلاعات مفیدی را در این‌باره در اختیار می‌گذارد. افزون‌بر این منابع، *ویلبر*[3] (۱۳۸۵) هم در کتاب "باغ‌های ایران و کوشک‌های آن" به توصیف کالبدی باغ گلشن طبس پرداخته‌است. بااین‌همه، باتوجه‌به مطالعات نگارندگان مقاله حاضر هنوز ویژگی متمایز باغ گلشن که فاقد عمارت کوشک است، تحلیل نشده‌است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از گونه بنیادی و روش تحقیق آن تفسیری-تاریخی است که نگارندگان در آن با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و توصیف باغ گلشن طبس به امر تحلیل پرداخته‌اند.

معرفی شهر طبس

طبس، شهری در شمال شرقی استان یزد امروزی است. در گذشته‌ای نه‌چندان دور این شهر، جزئی از استان خراسان بود. طبس از سرسبزی و خرمی خاصی در میان دیگر شهرهای کویری مشابه خود برخوردار است. برای نمونه، با نگاهی مقایسه‌ای به بشرویه (شهری در نزدیکی طبس)، به‌ندرت خانه‌ای را می‌توان‌یافت که درختی در آن وجود داشته‌باشد (تصویرهای ۳-۱). تنها در سال‌های اخیر بلواری در این شهر ساخته‌شده که دو طرف آن را درختان زیادی کاشته‌اند (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۱۳).

بنابراین، صرف‌نظر از شرایط نامساعد اقلیمی، عواملی در ایجاد خرمی طبس مؤثر بوده‌است. این عوامل به‌طور مشخص به پارامترهای جوی مساعدکننده برای رشد گیاهان، فرهنگ و نیازهای مردم منطقه مرتبط و به‌شرح زیر است.

- وجود آبی به‌دست آمده از ترکیب چشمه‌ها که توسط یک قنات به‌سمت طبس هدایت‌می‌شود و به‌کمک شیب طبیعی زمین به‌سمت شهر جریان‌دارد (همان).
- وجود سنت‌های مفیدی همانند خودداری از قطع درختان به‌ویژه درختان خرما (همان: ۱۴)، (تصویر ۴).
- علاقه مردم به درخت‌کاری و ایجاد باغ که سبب‌شده خانه‌های کوچک دست‌کم، یک درخت خرما داشته‌باشند (همان: ۱۶).

نیاز به سایه و خنکی در آفتاب سوزان طبس؛ سون هدین در رابطه با سفری که سال ۱۹۰۶ م. به طبس داشته در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «از ایستادن زیر سایه یک درخت

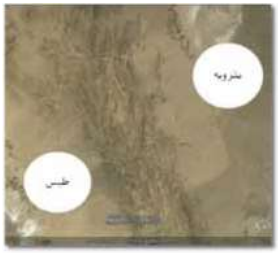

تصویر ۱. موقعیت قرارگیری شهر طبس و بشرویه (google earth, 1391).

تصویر ۲. شهر بشرویه، بدون درخت در فضای شهری (google earth, 1391).

تصویر ۳. شهر طبس، دارای سبزینگی در فضای شهری (google earth, 1391).

گز نتوانستم صرف‌نظر بکنم. در اینجا ایستادم و به‌صدای باد ظهر که در برگ‌های سوزنی گز می‌پیچید، گوش فرادادم.» (هدین، ۱۳۵۵: ۴۴۱).

- دوربودن شهر از نقاط حاصل‌خیز؛ در جای دیگری از سفرنامه هدین بیان‌شده: «واحه طبس کاملاً تنها است و از دنیای خارج مجزا است. تا شهر بعدی ۱۳۰ کیلومتر فاصله است ... بیگانه‌ها خیلی به‌ندرت به‌طبس می‌آیند. آن‌هم وقتی در طبس کاری دارند، مثل بازرگانان و کاروان‌دارها. بیابان گسترده‌ای از هر طرف طبس را احاطه کرده‌است و سفر به یکی از شهرهای همسایه از قبیل تون، بیرجند، یزد کار بزرگی تلقی‌می‌شود.» (همان: ۴۴۶).

موقعیت قرارگیری باغ‌های طبس

دو عنصر اصلی شهر طبس در دو انتهای خیابان گلشن قراردارد. آن‌که هسته اصلی شهر را می‌سازد، قلعه طبس و در طرف دیگر در شرق، باغ گلشن است. باغ‌های دیگر طبس نیز، در بیرون از محدوده قلعه قدیمی شهر و اطراف این محور ارتباطی ایجادشده‌اند (تصویرهای ۷ و ۸).

معرفی باغ گلشن طبس

این باغ به‌دست *میرحسن‌خان*، سومین حاکم طبس که ازسوی نادرشاه به این سمت منصوب شده‌بود، ساخته‌شد. میرحسن‌خان در وقف‌نامه‌ای که سال ۱۲۱۸هـ.ق. تهیه‌کرده، این باغ و املاک زیادی را وقف اولاد و امور خیریه کرده‌است. در یادداشت‌های *میرزاعلی منشی‌باشی* نیز، درباره اقدامات عمرانی وی در شهر طبس آورده‌شده: «میر حسن‌خان به کار تنظیمات ملکی پرداخته، در استحکامات طبس کوشید ... و میدان جلو شهر و خیابانی در کمال شکوه طرح ریخت و باغی در بالای خیابان معروف به باغ گلشن احداث‌کرد.» (منشی‌باشی به‌نقل از دانشدوست، ۱۳۶۹: ۹۱). در سفرنامه اعتصام الملک هم که سال ۱۲۹۴ هـ.ق. از طبس بازدیدکرده، بیان‌شد ه: «وقت عصر سوارشده به باغ گلشن که از موقوفات میرحسن‌خان است، رفتم. باغ بزرگ خوبی است. دو نهر آب خوب و صاف از دو طرف خیابانش جاری است.» (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۴۷). نکته دیگری که از بررسی توصیفات اعتصام‌الملک و سون هدین از باغ گلشن به‌دست می‌آید این است که ساختار

تصویر ۴. وجوددرختان خرمادرطبس (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۲۳).

تصویر ۵. یکی از کوچه‌های طبس (هدین، ۱۳۵۵: ۸۶۲).

تصویر ۶. نخلستان‌های طبس (هدین، ۱۳۵۵: ۸۷۱).

تصویر ۷. منظره هوایی خیابان گلشن طبس (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۲۹۲).

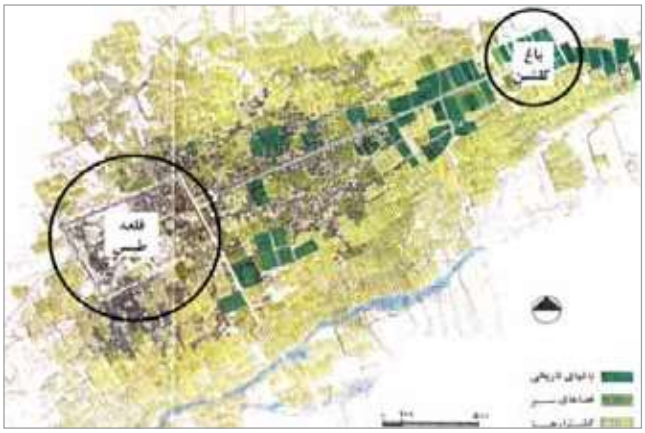

تصویر ۸. موقعیت باغ‌های تاریخی و معروف طبس (همان: ۵۳-۵۲).

معماری باغ به‌صورت امروزی نبوده‌است. استخر موجود به‌صورت گودال آبی بوده و طرح و معماری معینی نداشته و ساختمان سردر نیز خرابه و مختصر بوده‌است. آن‌چنان‌که در عکس هدین هم باغ، حالت ابتدایی دارد و بدون کف‌سازی و جدول‌بندی است (تصویر ۹).

این بنا بدون کتیبه است و تنها تاریخی که روی بنا وجوددارد، جمله‌ای است که بر حلقه در ورودی کنده‌کاری شده: «به امر سردار مکرم ۱۳۳۸ قمری». این جمله بیان‌کننده آن است که قطعاً تعمیراتی به‌دست سردار مکرم در این باغ صورت پذیرفته‌است. «می‌گویند حوض و آبشارهای باغ در زمان سردار مکرم به‌صورت گذشته بود و پس از او به‌وسیله عبدالرضاخان امیری حدود سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۰۹ هـ ش. به وضع فعلی ساخته و پرداخته شده‌است.» (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۹۲). لازم به یادآوری است که این اثر در تاریخ بیستم دی ۱۳۵۵ با شماره ثبت ۱۳۱۰، به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده‌است (فرهنگ‌خواه، ۱۳۵۵).

تصویر ۹. عکس سون هدین از باغ گلشن (هدین، ۱۳۵۵: ۸۷۱).

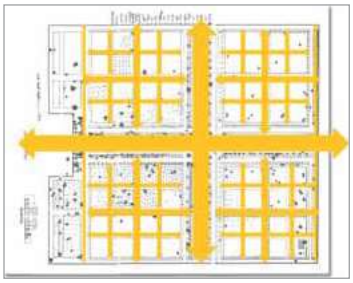

تصویر ۱۰. نقشه محورهای ساماندهی باغ گلشن طبس (نگارندگان).

معرفی برخی ویژگی‌های باغ گلشن

باغ ایرانی با حصاری به‌شکل مستطیل محصور و با محورهای عمود برهم و موازی با اضلاع حصار، تقسیم‌بندی می‌شود (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۰). طراحی باغ گلشن نیز این‌گونه است. این باغِ مربع شکل، دارای تقسیمات هندسی هم‌راستا با اضلاع حصار خود است (تصویر ۱۰). افزون‌بر تقسیمات هندسی در باغ، چگونگی تأمین آب نیز ضروری و از مسائل اولیه است. «در طبس باران به‌ندرت می‌بارد و هیچ‌گونه نهر یا رودخانه‌ای یافت‌نمی‌شود. فقط چاه‌های آرتزین [قنات] هستند که به این سرزمین لم‌یزرع روح می‌بخشند و آن را قابل زیستن می‌سازند.» (ویلبر، ۱۳۸۵: ۲۴۰و ۲۴۱). آبی که از پیوستن این چشمه‌ها به‌دست می‌آید، نخست به باغ گلشن واردمی‌شود. این آب، در محل تلاقی محورهای اصلی باغ به استخری می‌ریزد (تصویر ۱۱) و سپس، به‌صورت جویی از کنار باغچه میانی می‌گذرد. آب جاری، از قسمت زیرین عمارت سردر گذشته، از باغ خارج و به‌سوی شهر روانه‌می‌شود.

در این باغ غیر از عمارت سردر، بنای دیگری به‌چشم نمی‌خورد (تصویر ۱۲). شایان یادآوری است که زلزله بیست و پنجم شهریور ۱۳۵۷، آن را ویران‌کرد آن‌گونه‌که، بنای امروزی تعمیرات اساسی شد. از دیدگاه معماری، ساختمان سردر یکی از بناهای چشم‌گیر و یکی از دیدگاه‌های مهم شهر است. در میان آن، ورودی باغ و بالای ورودی، ایوانی با دو ستون روبه میدان مستطیلی شکل قرارگرفته‌است. سوی دیگر بنا، روبه باغ دارد (تصویر ۱۳). بیشتر نماهای آن با گچ سفیدشده ولی نمای ایوانچهٔ ورودی و ایوان ستون‌دار بالای آن، با آجرهای نقش‌دار مهری، نماسازی شده‌است. بنا دارای طبقه هم‌کف

تصویر ۱۱. استخر میانی باغ گلشن طبس (نگارندگان).

تصویر ۱۲. نقشه برش طولی باغ گلشن، باغ در سه سطح ایجاد شده‌است (نگارندگان).

و با وسعتی کمتر، دارای طبقه اول است و زیرزمین کوچکی نیز دارد. هشتی این فضا در تصویر ۱۴ مشخص است.

نکته قابل توجهی که در باغ گلشن مشاهده‌می‌شود، کاشت عجیب دو درخت سرو در محور اصلی باغ است. در این‌باره باید گفت: «در عکس قدیمی سال ۱۳۱۷ یک یا دو درخت سروی که در عکس‌های جدید هستند وجودندارد. پس این درختان زیاد قدیمی نیستند. با نبودن دو درخت سرو، باغ بسیار درازتر به‌نظر می‌رسد. درحالی‌که کاشتن این دو درخت که بعدها یکی از آنها خشک می‌شود، چشم‌انداز محوری باغ را کوتاه کرده و از زیبایی آن کاسته‌است.» (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۹۷)، (تصویرهای ۱۵ و ۱۶). نکته دیگری که در باغ گلشن مطرح است، توجه‌به مسائل اقلیمی است. در این باغ، در محور عمود بر ورودی، اختلاف سطح باغ به‌صورت سطح شیب‌دار درآمده و به‌جای گل‌کاری برای صرفه‌جویی در مصرف آب، محوطه آن با سنگ‌های رنگی تزئین شده‌است (تصویر ۱۸).

کارکرد باغ گلشن

اگرچه در بسیاری از منابع مکتوب از باغ گلشن باعنوان باغ سکونت‌گاهی- حکومتی یاد شده‌است لیکن ازلحاظ نظام کارکردی باغ ایرانی، باغ گلشن را می‌توان از باغ‌های حکومتی دانست. در تعریف باغ سکونت‌گاهی- حکومتی بیان شده‌است: «در شهرهای کوچکی که معمولاً تشکیلات و سازمان‌های اداری و نظامی آن محدود و کوچک و یا فاقد ارگ حکومتی و فضاهای اداری بود، غالباً حاکم یا برخی از رجال مهم شهری در باغی سکونت‌می‌کردند که علاوه‌بر عمارت مسکونی آن، عمارتی نیز ساخته و درنظر گرفته‌می‌شد تا در آن به کارهای حکومتی و اداری اشتغال داشته‌باشند. این بخش را که به آن عمارت بیرونی یا حتی در مواردی دیوان‌خانه می‌گفتند، به‌نحوی ساخته‌می‌شد که رفت و آمد افراد در زندگی خانوادگی صاحب باغ اختلالی پدیدنیاورد. این باغ‌ها معمولاً کوچک بودند و داخل یا کنار شهر قرارداشتند.» (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۵).

اما باغ گلشن طبس، گرچه خارج شهر ساخته‌شد، این‌گونه نبوده است. چراکه تفکیک قلمرو فضایی با ساختار معماری ثابت در باغ وجود نداشته و امنیت ارگ حکومتی شهر که در بخش غربی شهر قرار داشته، به‌مراتب بیشتر بوده‌است. در سفرنامه‌ها[۴] نیز اطلاعاتی درباره ممنوعیت ورود زنان به باغ آورده شده‌است. از این‌رو و بنابر دلایلی که بیان‌شد، این باغ را نمی‌توان در دسته باغ‌های سکونت‌گاهی- حکومتی قرارداد.

در باغ‌های حکومتی، جلوی عمارت دیوانی که در محل عمارت سردر یا فضای ورودی قرارداشت، میدانی حکومتی و تشریفاتی برای برگزاری مراسم سان و رژه و تجمع‌های تشریفاتی

تصویر ۱۳. میدان و سردر باغ گلشن (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۱۰۳).

تصویر ۱۴. هشتی عمارت سردر باغ گلشن (نگارندگان).

تصویر ۱۵. دو درخت سرو بزرگ در باغ گلشن (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

تصویر ۱۶. یکی از درختان سرو از بین رفته‌است (نگارندگان).

تصویر ۱۷. سنگ‌های رنگی در باغ گلشن طبس (دانشدوست، ۱۳۶۹: ۱۳۶).

تصویر ۱۸. کارکرد حکومتی باغ گلشن (هدین، ۱۳۵۵: ۸۴۷).

و مذهبی ساخته‌می‌شد. در این حالت، بیشتر در جبهه‌ای از عمارت دیوانی که به‌سمت میدان بود، ایوانی ستون‌دار یا بدون ستون در طبقه بالایی عمارت ساخته‌می‌شد تا هنگام برگزاری مراسم در میدان به‌عنوان جایگاه استقرار بزرگان کشوری و لشکری از آن استفاده‌شود. بدین‌ترتیب می‌توان بیان‌کرد که باغ‌های حکومتی بیشتر جزئی از یک مجموعه حکومتی بوده‌اند. در این‌گونه باغ‌ها از عمارتی که در محل سردر باغ قرارداشت به‌عنوان ساختمانی دیوانی و حکومتی استفاده‌می‌کردند زیرا در این حالت، فرمان‌روایان و دیوان‌سالاران می‌توانستند در همان عمارت که از یک سمت در باغ و از سمت دیگر، کنار یک معبر یا میدان قرارداشت، به امور دیوانی رسیدگی‌کنند. بدین‌گونه لازم‌نبود که مراجعه‌کنندگان، درون عرصه داخلی باغ بیایند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۶ و ۵۷). عمارت سردر باغ گلشن در طبس، نمونه‌ای از این‌دست است.

تحلیل ویژگی‌های متفاوت باغ گلشن طبس

این باغ برخلاف بسیاری از باغ‌های ایرانی، کوشک ندارد. از همین‌رو، می‌توان احتمالات زیر را برای نبودن کوشک در آن بیان‌کرد.

– هماهنگی با کهن‌الگوی باغ ایرانی

الگوی چهارباغ، کهن‌الگوی باغ ایرانی است (تصویر ۱۹). «در اکثر نوشته‌ها درباره باغ ایرانی، این الگو به‌شکل یکسانی مورد اشاره قرار گرفته‌است.» (مسعودی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). این الگو، محدوده‌ای محصور بین دیوارهای باغ به‌شکل مربع یا مستطیل است که سطح آن با دو محور آب متقاطع عمود برهم به چهار قسمت مساوی تقسیم‌می‌شود و بیشتر در مرکز، حوض آبی قرار دارد. تقسیم بر چهار شدن آن، دارای بار تاریخی طویلی است و شکل بارز خود را در اشاره به این مسأله که از روز ازل آب از باغ عدن خارج‌می‌شود و به‌سمت چهار گوشه جهان جاری می‌گردد، نشان‌می‌دهد. باوری نیز بر این موضوع است؛ زمانی که چهار محور اصلی، چهار نهر آب اصلی، چهار ردیف درختان سایه‌گستر اصلی و چهار راه اصلی مکانی را به چهار بخش تقسیم‌می‌کنند، واژه چهارباغ به‌میان می‌آید (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۰).

باغ گلشن را در طبس می‌توان از نمونه‌های خوبی به‌شمار آورد که با این الگو مطابقت‌دارد (تصویر ۲۰). آبگیر آن در مرکز محوطه مربع شکل کرت‌ها قرار گرفته‌است (تصویر ۲۱). علاوه‌بر این باغ، باغ‌هایی نظیر هشت‌گوش (تصویر ۲۲) از مجموعه باغ‌های اطراف خیابانِ چهارباغ اصفهان نیز بدون کوشک، دارای عمارت سردر و تقسیمات چهارگانه بودند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱).

– سکونت مناسب و امنیت داخل ارگ حکومتی

طبس پیش از اسلام دژ یا حصار کوچکی بوده‌است که مردم هنگام حمله و ضرورت‌های دیگر، در آن پناه می‌گرفته‌اند و در شرایط معمولی بیرون از حصار زندگی می‌کرده‌اند[۵] (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۲۰). چنین کارکردی را می‌توان تا دوره زندیه در طبس دنبال‌کرد به‌گونه‌ای که ارگ حکومتی سمت غرب و توسعه شهر به‌سوی شرق و باغ گلشن بوده‌است. بنابراین باتوجه به امنیت بیشتر در ارگ حکومتی نسبت‌به فضای باغ گلشن و کاربری آن، نیاز به ایجاد ساختار معماری درون باغ احساس نمی‌شده‌است.

– سازگاری با نحوه زندگی مردم و شرایط اقلیمی منطقه

در سفرنامه‌ها، اشارات فراوانی درباره چگونگی سکونت در باغ گلشن آورده شده‌است. برای نمونه، هدین در سفرنامه‌اش بیان‌کرده: «چادر من روی چمن‌ها در میان دو جوی برپا می‌شود ... چادر طوری برپاشد که تمام روز در سایه خنک نخل‌ها قرارداشت.» (هدین، ۱۳۵۵: ۴۳۳). در جای دیگر می‌گوید: «... عمادالدوله و همراهان وی تا جایی که در چادر جا بود به داخل چادر هدایت‌شدند برای بقیه، روی علف خارج از چادر جا به اندازه کافی وجودداشت ...» (همان: ۴۳۹). پس شاید بتوان این باغ را ازنظر مقیاس باغ‌های گسترده، باغ چادر (سراپرده) دانست. در تعریف این نوع باغ آورده‌شده: «این‌گونه از باغ‌های گسترده، زمان حمله مغول به ایران رواج پیداکرد. علاقه ایلخانان مغول به استقرار در فضای سرسبز طبیعت

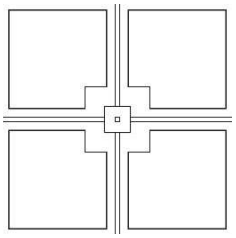

تصویر۱۹.نقشه‌کهن‌الگوی‌باغ‌ایرانی (نگارندگان).

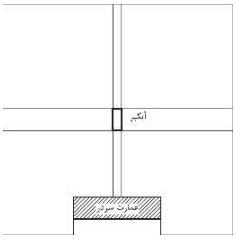

تصویر ۲۰. نقشه طرح شماتیک باغ گلشن طبس (نگارندگان).

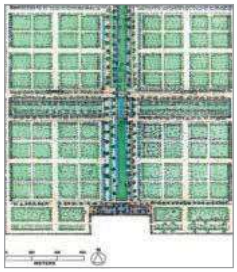

تصویر ۲۱. نقشه باغ بدون کوشک گلشن طبس (خوانساری، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

تصویر ۲۲. نقشه بدون کوشک باغ هشت‌گوش (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱).

باعث‌شد ایشان سراپرده و چادرهایی را در این مناطق برپاسازند. این موضوع سبب‌شد تا در زمان تیموریان نیز حتی هنگام ساخت باغ‌هایی براساس طرح باغ‌های گسترده ایران، در هرات و سمرقند حتی برای استقرار دائم در این شهرها، عنصر چادر و سراپرده در این باغ‌ها جایگزین عنصر کوشک شده و در محوطه باغ برپاشود. به‌دلیل ناپایداری عنصر چادر درطول زمان، عنصر کالبدی از آنها برجای نمانده است.» (شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۴۹).

ازسوی دیگر، باید توجه‌داشت که طبس ازلحاظ فرهنگی بخشی از خراسان است. به‌همین دلیل نباید ویژگی‌های فرهنگی این خطه را در شکل‌گیری معماری نادیده انگاشت. یکی از کتاب‌هایی که بیانگر فرهنگ مردم خطه خراسان و ماوراءالنهر است، "تاریخ بیهقی" نگاشته *ابوالفضل بیهقی* از روزگار غزنویان است. در این کتاب به باغ‌های فراوانی اشاره شده‌است. باتوجه‌به اتفاقات ثبت‌شده در آن، می‌توان‌گفت: «زندگی مسعود غزنوی بیش از آنکه در کاخ سپری‌شود، در خیمه و خرگاه و در باغ می‌گذشته است.» (بیهقی به‌نقل از قیومی بیدهندی، ۱۳۸۷: ۵).

ازسوی دیگر، برای اثبات این ویژگی یادشده و وجود معماریِ چادری بجای عمارت کوشک در این باغ در درجه اول، متن سفرنامه هدین راهگشاست. وی به‌طور مشخص به سکونت در میان دو جوی، اشاره نموده‌است. پس محل نصب چادر قطعاً در محور میانی باغ و امتداد استخر آن بوده است. همان‌طور که پیش از این هم گفته‌شد، باغ در سه سطح ساخته‌شده و سطح انتهایی آن دارای سکویی است که دید مناسبی به آبگیر و چشم‌انداز باغ دارد و می‌توانسته محل مناسبی برای برپایی چادر باشد (تصویر ۲۴). هرچند بر اساس مطالعات و جستجوی نگارندگان مقاله حاضر، اثر یا مستندی تصویری از این نوعِ سکونت در باغ گلشن یا دیگر باغ‌های طبس برجای نمانده که بتوان به‌شرح جزئیات آن پرداخت لیکن به‌طور یقین، سکونت در چادر در محیطی فراخ که با جریان هوا همراه باشد، بسیار متفاوت از زندگی درون خانه‌باغ یا کوشک است چراکه در این نحوه سکونت، آسایش اقلیمی بیشتری وجوددارد.

زمانی که چادر تحت تابش خورشید قرارمی‌گیرد صرف‌نظر از رنگ آن، مقداری گرما جذب‌می‌شود. همچنین به‌علت مصالحی که چادر بیشتر از آن ساخته‌می‌شود و غالباً سبک و متخلخل هستند، گردش طبیعی هوای بیرون، نخست از محیط پیرامون چادر به‌سمت درون و مرکز گرم شده داخلی و سپس به‌سمت محیط بیرونی صورت‌می‌گیرد (حیدری و عینی‌فر، ۱۳۹۰).

این جریان هوا و شرایط اقلیم منطقه همراه ویژگی‌های محیط پیرامون باغ گلشن، به ایجاد شرایط مناسب اقلیمی کمک شایانی می‌کرده‌است. از میان ویژگی‌های محیطی می‌توان به محل قرارگیری پوشش گیاهی، وجود رطوبت به‌دلیل وجود آب در نهرها و استخر میانی باغ و ترکیب آن با جریان هوا، اشاره‌نمود. مجموع این عوامل سبب‌شده تا این نوع سکونت، بهترین نوع اسکان در باغ گلشن باشد.

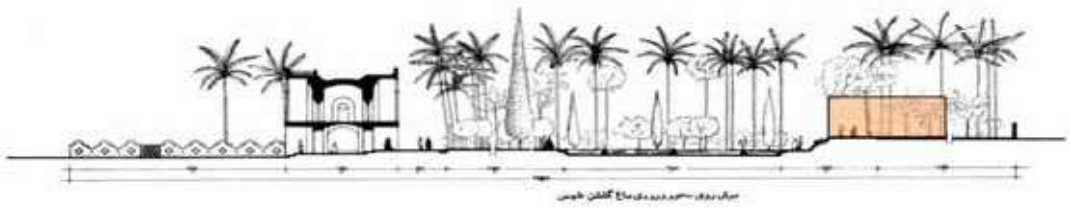

تصویر ۲۴. نقشه جانمایی محل استقرار چادر در باغ گلشن (نگارندگان).

تصویر ۲۳. برپایی چادر در میدان طبس (هدین، ۱۳۵۵: ۸۵۳).

تصویر ۲۵. جانمایی محل استقرار چادر در باغ گلشن (نگارندگان).

نتیجه‌گیری

طبس، شهری سرسبز در دل کویر است. گرچه این شهر دارای شرایط نامساعد اقلیمی است اما فرهنگ و نیازهای مردم سبب شده تا در آن پوشش گیاهی فراوانی نسبت‌به همسایگان خود به‌وجود آید. چنین نگاهی به محیط پیرامون در بناهای قدیمی و باغ‌های طبس، نمایان است. باغ‌های طبس که یکی از آنها موضوع پژوهش حاضر بود، زینت‌بخش محور توسعه در این شهر در دوره زندیه بودند. این محور توسعه به باشکوه‌ترین باغ شهر، باغ زیبای گلشن ختم‌می‌شود که دارای ویژگی‌های متفاوتی نسبت‌به دیگر باغ‌هاست و آن، نبود عمارت کوشک درون باغ است. تنها ساختار معماری این باغ، عمارت سردر آن است که همچون واسطی میان باغ و میدان حکومتی روبه‌روی خود عمل می‌کند. ازین‌رو، نگارندگان در مقاله پیش‌رو به‌دنبال شناخت چرایی نبودِ کوشک در باغ بودند که براساس جستجوی آنها و نوشته‌های برجای مانده، عوامل زیر به‌عنوان یافته‌های پژوهش شناسایی گردید:

- هماهنگی الگوی فضایی باغ با کهن‌الگوی چهارباغ و قرارگیری استخر در مرکز باغ.
- سکونت اهالی شهر درون ارگ حکومتی برای کنترل و امنیت بیشتر.
- فرهنگ مردم منطقه و استفاده از باغ‌ها برای تفریح اهالی و برگزاری مراسم خاص.
- کارکرد باغ و توجه‌به شرایط اقلیمی همچون نحوه جریان هوا و بستر محیطی باغ.
- ویژگی‌های ساختاری باغ گلشن طبس، وجود سکو و بالاتر بودن سطح انتهایی باغ.

پی‌نوشت

1- Hedin Seven (1865-1952)

۲- تصویر پرونده ثبتی این باغ، در وبگاه دانشنامه تاریخ معماری ایرانشهر (*www.iranshahrpedia.ir*) موجود است.

3- Donald Newton Wilber (1907-1997)

۴- «روی میز من پر است از شیر و عسل. ما زندگی شاهانه‌ای داریم، مثل اینکه در بهشت محمد هستیم البته بدون حوری؛ چون ورود زنان آبی پوش که در کوچه‌ها میخزند به باغ من ممنوع است. ما در باغ از نگاه زن‌ها دور هستیم. دیوارهای گلی برای این منظور خیلی بلندند.» (هدین، ۱۳۵۵: ۴۳۹).

۵- در تاریخ ماد می‌خوانیم که در خاک ماد نقاط مسکونی مستحکم دژ مانند (حصارگونه) و نقاط مسکونی کوچک دیگری در اطراف آن وجود و ساکنان این نقاط هنگام ضرورت می‌توانستند به درون حصار دژ پناه برند. یک چنین پیشینه‌ای را نیز می‌توان برای طبس متصور شد (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۲۰).

منابع و مآخذ

- اعتصام‌الملک، سزا خانلرخان (۱۳۵۱). **سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک (نایب اول وزارت امور خارجه)**، به‌کوشش منوچهر محمودی تهران: منوچهر محمودی.
- حیدری، شاهین و مهدی عینی‌فر (۱۳۹۰). جریان هوا، واکنش حرارتی و آسایش در سیاه‌چادر (مطالعه موردی کوچران ایلام)، **هنرهای زیبا؛ معماری و شهرسازی**، ش (۴۷)، ۶۸-۶۳.
- خوانساری، مهدی؛ محمدرضا مقتدر و مینوش یاوری (۱۳۸۳). **باغ ایرانی: بازتابی از بهشت**، ترجمه مؤسسه مهندسین مشاور آران. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و دبیرخانه همایش بین‌المللی باغ ایرانی.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۹). **طبس شهری که بود (باغ‌های طبس)**، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- _____ (۱۳۷۶). **طبس شهری که بود (بناهای تاریخی طبس)**، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۸). **تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل؛ آرامگاه بانوی ایرانی تبار**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۹). **پارادایم‌های پردیس، درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی**، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فرهنگ‌خواه، رسول (۱۳۵۵). **پرونده ثبتی باغ گلشن طبس**، بازیابی‌شده در تاریخ ۵ تیر ۱۳۹۱. *www.iranshahrpedia.ir*
- قلی‌پور، سودابه؛ احمد، امین‌پور و آرمین، بهرامیان (۱۳۹۱). بازشناسی ساختار کالبدی باغ‌ها و کاخ‌های اطراف خیابان چهارباغ عباسی در دوره صفویه، **پژوهش هنر**، ش (۴)، ۱۴-۱.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۷). باغ‌های خراسان در تاریخ بیهقی، **صفه**، ش (۴۶)، ۲۸-۵.
- کربلایی نوری، رضا و فرزانه ریاحی دهکردی (۱۳۸۴). **مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید**، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- مسعودی، عباس (۱۳۸۳). تجزیه و تحلیل الگو مرجع باغ ایرانی، **خلاصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی**، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۸۳). باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی در کجاست؟، **خلاصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی**، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۸۵). **باغ‌های ایران و کوشک‌های آن**، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: علمی و فرهنگی.
- هدین، سون (۱۳۵۵). **کویرهای ایران**، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.
- google earth (بازیابی‌شده در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۱).